

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دختر پیغمبر(ص) خواستگاری داشت؛ اما پدرش از میان همه پسر عموهای خود، علی بن ابی طالب(ع) را برای شوهری او برگزید و به دخترشان فرمودند: (تو را به کسی به زنی می دهیم که از همه نیکو خوی تر و در مسلمانی پیش قدم تر است.) نسائی، سنن، ج ۲، ص ۳۱.

روایت شده اصحاب و انصار رسول خدا(ص) با **سعد معاذ** رئیس **قبیله اوس** به گفتگو پرداختند و آگاهانه دریافتند که جز حضرت علی علیه السلام کسی شایستگی ازدواج با حضرت زهرا علیها السلام را ندارد و نظر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز به غیر او نیست.

از این رو دسته جمعی در پی حضرت علی علیه السلام رفتند و سرانجام او را در باغ یکی از **انصار** یافتند که با شتر خود مشغول آبیاری نخل ها بود. آنان روی به علی کردند و گفتند: اشراف قریش از دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواستگاری کرده اند و پیامبر در پاسخ آنان گفته است که کار زهرا منوط به اذن خداست و ما امیدواریم که اگر تو (با سوابق درخشان و فضایی که داری) از فاطمه خواستگاری کنی پاسخ موافق بشنوی و اگر دارایی تو اندک باشد ما حاضریم تو را یاری کنیم. علامه محمد باقر مجلسی (ره)، ترجمه جلد 43 بحارالانوار، 43، 441.

چگونگی خواستگاری حضرت علی علیه السلام

ضحاک بن مزاحم نقل می کند، از حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام شنیدم که در مورد مراسم خواستگاری از حضرت زهرا(س) می فرمود: موقعی که من نزد پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رفتم و آن بزرگوار مرا دید خندید و فرمود: یا ابالحسن! آیا برای حاجتی که داری نزد من آمدی؟ من قرابت و سبقت در اسلام و یاری کردن خود را از آن حضرت و جهادهایی که در راه خدا کرده بودم، برای آن حضرت شرح دادم. پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: یا علی راست می گویی، مقام تو بالاتر از این است که تذکر دادی، گفتیم: یا رسول الله فاطمه ی زهراء را برابیم تزویج نما. فرمود: یا علی! قبل از تو چند نفر از مردان، این تقاضا را داشتند، ولی هر گاه من به فاطمه می گفتم اظهار بی میلی می کرد، شما چند لحظه ای صبر کن تا من نزد او بروم و برگردم.

پیامبر خدا، نزد فاطمه علیها السلام رفت. فاطمه علیها السلام از جا برخاست و ردای پدر را گرفت و کفش هایش را درآورد و آب دست برایش آورد و دست و پای او را شست و سپس نشست. پس پیامبر خدا به او فرمود: «ای فاطمه!» پاسخ داد: بلی، چه می خواهی، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «علی بن ابی طالب، کسی است که خویشاوندی و فضیلت و اسلامش را می شناسی و من از خدا خواسته ام که تو را به ازدواج بهترین آفریدگانش و محبوب ترین آنان در نزدش درآورد و علی از تو خواستگاری کرده است. چه نظری داری؟». فاطمه علیها السلام ساکت ماند و صورتش را برنگرداند و پیامبر خدا، کراهتی در چهره اش ندید. پس برخاست، در حالی که می گفت: «الله اکبر! سکوت او [نشانه رضایت اوست]». پس جبرئیل علیه السلام نزدش آمد و گفت: ای محمد! او را به ازدواج علی بن ابی طالب درآور که خداوند، این دو را برای هم پسندیده است. الامالی للطوسی: ص ۳۹ ح ۴۴، بشارة المصطفی: ص ۲۶۱

حضرت علی بن ابیطالب (علیه السلام) روایت می کنند: پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به من فرمود: یا علی! گروهی از مردان قریش راجع به فاطمه ی زهراء سلام الله علیها مرا مورد عتاب قرار دادند و گفتند: ما خواستگار فاطمه بودیم و تو نپذیرفتی، اکنون او را به علی بن ابیطالب دادی. من گفتم: به خدا قسم، من فاطمه را از شما رد نکردم و او را تزویج نمودم، بلکه خدا خواستگاری شما را نپذیرفت و فاطمه را برای علی تزویج کرد؛ زیرا جبرئیل بر من نازل شد و گفت، خدای تعالی می فرماید: اگر من علی را خلق نمی کردم از حضرت آدم به بعد شوهری که شایسته ی فاطمه باشد در روی زمین نبود. علامه محمد باقر مجلسی، ترجمه جلد 43 بحارالانوار، ص 288

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که خطاب به علی علیه السلام فرمود: لولاک یا علی لما کان لفاطمه کفو علی وجه الارض: یا علی اگر تو نبود، فاطمه را بر روی زمین کفوی نبود. بحارالانوار ج 43 / 107
علامه حسن زاده آملی در شرح این روایت گفته اند: نکاح بر کفایت است - که باید مرد و زن کفو هم باشند - و مرد غیر معصوم را بر زنی که صاحب عصمت است راهی نیست. حسن زاده آملی؛ حسن، شرح فص حکمة عصمتیة فی کلمة فاطمیة، ص 178

دارایی امیرالمؤمنین (علیه السلام)

رسول اکرم (ص) پس از کسب اجازه از حضرت زهرا (س) به نزد امیرالمؤمنین علی (ع) آمدند و با لبی خندان گفتند: یا علی! آیا برای عروسی چیزی داری؟ پاسخ داد: یا رسول الله پدر و مادرم قربانت، شما از وضع من کاملاً اطلاع دارید. تمام ثروت من عبارت است از یک شمشیر، یک زره و یک شتر. فرمود: تو مرد جنگ و جهادی و بدون شمشیر نمی توانی در راه خدا جهاد کنی، شمشیر از لوازم و احتیاجات ضروری تو است.

شتر نیز از ضروریات زندگی تو محسوب می شود، باید به وسیله آن آبکشی کنی و امور اقتصادی خود و خانواده ات را تأمین کنی و برای اهل و عیالت کسب روزی نمایی و در مسافرت بارت را بر آن حمل کنی، تنها چیزی که می توانی از آن صرف نظر کنی همان زره است. منمهم به تو سخت نمی گیرم و به همان زره اکتفا می نمایم.^{۲۱}

مهریه حضرت زهرا (س)

در روایات دو نوع مهریه برای حضرت زهرا (س) مشخص شده است:

- مهریه عادی یا به تعبیری مهریه ی زمینی که همه زنان مسلمان دارند و دو نوع روایت در این مورد نقل می شود:
 1. مهریه ی حضرت فاطمه زهرا ای بود از نوع بسیار محکم که آن را زره شمشیرشکن می گویند و آن از پوست دباغی نشده ی قوچ و یا پوست بز ساخته می شود و ارزش این زره چهارصد و به نقلی پانصد درهم بوده است.^{۲۲}
 2. مهریه حضرت زهرا (س) طبق روایات اسلامی پانصد درهم بوده است.^{۲۳}
- البته این دو روایت قابل جمع هستند و می توان گفت در حقیقت مهر حضرت فاطمه (س) همان زره حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بود که آن را به پانصد درهم فروختند.
- مهریه آسمانی: رسول الله (ص) فرمودند: مهریه ی فاطمه سلام الله علیها در آسمان یک پنجم زمین تعیین شده، پس کسی که با بغض فاطمه و فرزندانش، تا قیامت روی زمین راه برود حرام است.^{۲۴} لدر روایتی دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که فرمود مهریه ی فاطمه ی اطهر یک پنجم دنیا، یک سوم بهشت، چهار نهر که عبارتند از: نهر فرات، نیل در مصر، نهروان و نهر بلخ.^{۲۵}
- امیر مومنان به دستور پیامبر زره را فروخت و پول آن را به آن بزرگوار تقدیم داشت و پیامبر آن پول را به سه بخش تقسیم کرده، بخشی از آن را برای خریدن وسایل زندگی به عنوان جهیزیه، و بخش دیگر آن را برای تهیه عطریات عروسی قرار داد و سومین بخش آن را نزد «ام سلمه» سپرد تا به هنگام فرارسیدن شب عروسی آن را به امیر مومنان باز گرداند تا بتواند از میهمانان خویش پذیرایی کند.^{۲۶}

خواندن خطبه عقد در مسجد

پیغمبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین فرمودند: یا علی تو زودتر به مسجد برو و من نیز از عقب تو می آیم، تا در حضور مردم مراسم عقد را برگزار کنیم و خطبه بخوانیم.

علی (ع) مسرور و خوشحال به جانب مسجد حرکت نمود. ابوبکر و عمر را در بین راه ملاقات کرد، آنها از جریان کار جویا شدند، گفت: رسول خدا دخترش را به من تزویج کرد، هم اکنون پیامبر در راه است تا در حضور جمعیت، مراسم عقد و خطبه خوانی را انجام دهد.

پیغمبر (ص) در حالی که صورتش از سرور و شادمانی می درخشید به مسجد تشریف برد، و به **بلال حبشی** فرمودند: مهاجر و انصار را در مسجد جمع کن.

هنگامی که مردم جمع شدند، بر فراز منبر رفت و پس از حمد و ثنای فرمود: ای مردم آگاه باشید که **جبرئیل** بر من نازل شد و از جانب خدا پیام آورد که مراسم عقد ازدواج علی و فاطمه علیها السلام در عالم بالا و در حضور فرشتگان برگزار شده و دستور داده که در زمین نیز آن مراسم را انجام دهیم، و شما را بر آن گواه بگیرم. علی علیه السلام را خواست و فرمود یا علی پروردگار مرا امر فرموده که فاطمه را برای تو عقد کنم به پانصد مثقال نقره آیا راضی هستی؟ عرض کرد: یا رسول الله راضی هستم همه حضار مبارک باد گفتند سپس رسول خدا (ص) به منبر رفت **خطبه عقد** را ایراد فرمود.

پس از آن علی علیه السلام برخاست **خطبه ای** ایراد کرد و فرمود: ای مردم! رسول خدا فاطمه را به عقد من در آورد و زره ام را از بابت مهر قبول کرد. از آن حضرت پرسید و گواه باشید.

مسلمانان به پیغمبر (ص) عرض کردند: یا رسول الله! فاطمه را با علی کابین بسته ای؟ رسول خدا پاسخ داد: آری. پس تمام حضار دست به دعا برداشته گفتند: خدا این ازدواج را بر شما مبارک گرداند و در میانتان دوستی و محبت افکند.

در پایان مجلس، رسول خدا به زنان خود امر فرمود تا به خوشحالی این جشن شادمانی کنند و بساط سرور بگسترند.

علی علیه السلام می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دخترش را به ازدواج من درآورد و آنگاه نزد من آمده دستم را گرفته و فرمود: با یاد و نام خدا برخیز و بگو: «علی برکة الله، و ما شاء الله، و لا قوة إلا بالله، و توکلت علی الله» - یعنی: بر سفره برکت خدا می نشینم، و راضی می شوم بر آنچه او بخواهد، همانا قدرت و قوتی نیست مگر از جانب خدا، پس به او توکل می کنم و یاری می طلبم. سپس مرا کنار فاطمه نشانید و گفت: خداوندا! اینان محبوبترین مردم در نزد من می باشند، پس آنان را دوست بدار، و خیر و برکت به ذریه آنها عطا کن، و آنان را از هر آسیبی حافظ باش، من آنها و نسلشان را از شر شیطان فریبکار به تو می سپارم.²⁷

خرید جهیزه با مهریه حضرت زهرا (سلام الله علیها)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خطاب به من فرمود: برخیز و زره خود را بفروش! برخاستم و زره را فروختم و پول آن را گرفته نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آوردم و آنها را در مقابل او نهادم؛ آن حضرت از من نپرسید که آن پولها چه مقدار است و من نیز چیزی در این باره به آن حضرت نگفتم، سپس بلال را صدا کرد و مشتی از آن پولها را به وی داد و گفت: این پولها را بگیر و با آنها برای فاطمه (علیها السلام) عطر خریداری کن!

و بعد از او ابوبکر و عمار بن یاسر را احضار نمود و دو مشت از آن پولها را به او داده و گفت: با این پولها، برای فاطمه (علیها السلام) لباس و اثاثیه ی منزل خریداری کن. و آنگاه عمار یاسر و گروه آنها وارد بازار شدند و هر چیزی را که لازم می دانستند در نظر گرفتند و آن را خریداری می نمودند.²⁸

صورت جهیزه حضرت زهرا (سلام الله علیها)

از صورت جهیزه حضرت زهرا سلام الله علیها می توان به وضع زندگی بانوی بزرگوار اسلام به خوبی پی برد. فرستادگان پیامبر صلی الله علیه و آله از بازار بازگشت و آن چه باری حضرت زهرا سلام الله علیها تهیه کرده بودند به قرار زیر بود:

1. یک پیراهن به قیمت هفت درهم
2. روبنده ای به قیمت چهار درهم، شاید منظور از «خمار» روسری، مقنعه یا چادر باشد.
3. یک قطیفه ی مشکی خیبری
4. تختی که وسط آن را با لیف خرما بافته بودند.
5. دو عدد تشک با روکشی از کتان مصری که یکی از آنها با لیف خرما و دیگری با پشم گوسفند پر شده بود.
6. چهار بالش - یا متکا، یا پشتی - با رویه ای از پوست حیوانات طائف که درون آنها از علف پرده ای از جنس پشم
7. حصیری بافت یمن
8. یک آسیای دستی
9. طشت مسی
10. مشک آبی از جنس پوست
11. ظرف مخصوص شیر - که از جنس چوب می تراشیدند.
12. ظرفی برای آبخوری
13. آفتابه ای قیراندود
14. سبوی سبز رنگ - که در آن روغن، آرد یا چیزهایی دیگر نگهداری می کردند.
15. دو کوزه ی کوچک سفالی
- 16.

هنگامی که که خرید آنها کامل شد، مقداری از اثاثیه را ابوبکر و باقی را سایر اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حمل کرده به خانه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بردند. هنگامی که لوازم خریداری شده به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشان داده شد، پیامبر آنها را زیر و رو کرده و گفت: خدا اینها را برای اهل بیت مبارک کند!²⁹

خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام)

خانه حضرت علی (علیه السلام) در کنار مسجد، خانه ساده ای داشت که مجموع آن از یک اتاق خشت و گلی، که در کف آن اتاق، ماسه نرم ریخته شده بود خلاصه می شد. آن اتاق با پوست گوسفند، فرش شده بود و یک عدد متکا که لایه آن از لیف خرما بود، در آن دیده می شد. این خانه برای شب زفاف مناسب نبود، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمود: در همین نزدیکی، خانه ای را فراهم کن (اجاره کن) تا همسرت را به تو تحویل دهم.

حضرت علی (علیه السلام) عرض کرد: در این نزدیکی جز منزل حارثه بن نعمان منزلی نیست. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خانه های حارثه را برای مهاجران بی خانه گرفته ایم، و اکنون شرم می کنیم که باز از او تقاضای منزل کنیم!

حارثه این سخن را شنید و به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و متواضعانه عرض کرد: من و اموالم به خدا و رسولش تعلق دارد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای او دعا کرد، به این ترتیب خانه حارثه آماده شد و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) عروسی به آن جا رفت. پس از مدتی حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) به خانه قبلی علی (علیه السلام) باز گشتند، و فرزندان زهرا (سلام الله علیها) در همان خانه ساده چشم به جهان گشودند و بزرگ شدند. این خانه در کنار مسجد النبی بود که محل آن اکنون به نام خانه زهرا (سلام الله علیها) معروف است.³⁰

آماده سازی خانه برای زندگی

از **عایشه** و ام سلمه روایت شده است که هر دو گفتند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ما را فرمود که فاطمه (سلام الله علیها) را آماده کنیم تا بر علی (علیه السلام) داخل شود. ما به سرای آن دو رفته و با خاک نرم بیابان آن را فرش کردیم. آن گاه دو متکا را از لیف خرما پر کرده، با دستمان لیفها را از هم جدا نمودیم. سپس به آنان غذایی از خرما و کشمش و آبی گوارا بدادیم. و تیرکی از چوپ را در نزدیکی سرایشان برافراشتیم تا لباسها و مشک آب را بر آن بیاویزند. ما از دواچی بهتر از ازدواج فاطمه (سلام الله علیها) ندیدیم.³¹

مراسم عروسی

وساطت زنان رسول خدا(ص)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: به مدت یک ماه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز می خواندم و بدون اینکه درباره ی فاطمه علیها السلام چیزی به آن حضرت بگویم به منزل خود بازمی گشتم³² ولی گاهی که خلوت می شد می فرمود: یا علی چه همسر نیکو و زیبایی نصیب شد؟ بهترین زنان عالم را تزویج تو کردم.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: روزی زنان پیامبر به من گفتند: آیا می خواهی که ما از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بخواهیم تا فاطمه را به خانه ات بیاورد و شما زندگی مشترکتان را شروع کنید؟ گفتم: بله. وقتی آنها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتند **ایمن** گفت: ای رسول خدا! اگر خدیجه علیها السلام زنده بود چشمانش در اشتیاق دیدار ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام روشن می شد، همانا علی علیه السلام دوست دارد که فاطمه را به خانه اش ببرد، پس چشم آنها را به دیدار یکدیگر روشن نما تا چشمهای ما نیز روشن شود. رسول خدا فرمود: چرا علی همسر خود را از من مطالبه نمی کند و شما را واسطه کرده است، در حالی که ما از خود او انتظار این کار را داشتیم. علی علیه السلام گفت: من گفتم: ای رسول خدا! من از شما خجالت کشیدم و حیا مانع از این امر می شد.³³

آماده سازی مقدمات عروسی

پیامبر در این حال خطاب به همسران خود فرمود: کدام یک از شما حاضر(به کمک) هستید؟ **ام سلمه** گفت: من ام سلمه و این **زینب** و این فلان کس و فلان کس. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یکی از حجره های خانه را برای دخترم فاطمه و پسر عمویم علی آماده کنید. ام سلمه گفت: ای رسول خدا! کدام حجره را؟ پیامبر فرمود: حجره ی خودت را، و سپس به زنان خویش دستور داد تا فاطمه علیها السلام را زینت کنند و لوازم عروسی او را فراهم نمایند.

ام سلمه گوید: به فاطمه گفتم: آیا عطری برای خودت ذخیره نموده ای؟ گفت: آری. و یک شیشه عطر آورد و مقداری از آن را در میان دست من ریخت، چنان بویی از آن برخاست که تا آن زمان استشمام نکرده بودم!³⁴

بخشیدن پیراهن عروس

پیامبر خدا برای شب عروسی فاطمه علیها السلام پیراهنی آماده ساخت و ایشان پیراهن دیگری نیز داشت که پوشیده و اصلاح شده بود. شب عروسی او بود که بی نوایی در خانه ی پیامبر آمد و از ایشان لباس طلبید. حضرت فاطمه سلام الله علیها برخاست و نخست پیراهن اصلاح شده ی خویش را در بسته ای نهاد تا در راه خدا به او انفاق کند اما ناگهان آیه ی شریفه ی قرآن را به خاطر آورد که:

«لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون» .

«شما به اوج نیکی و نیکوکاری نخواهید رسید مگر آنکه از آنچه دوست می دارید در راه خدا انفاق نمایید» .

لذا «فاطمه(س)» بازگشت و پیراهن عروسی خویش را از تن درآورد و به آن زن بینوا انفاق کرد و خود همان جامه ی عادی خویش را پوشید. هنگامی که خواستند عروس گرانمایه را به خانه ی امیر مومنان ببرند، فرشته ی وحی فرود آمد و پس از سلام بر پیامبر گفت: ای پیامبر خدا! پروردگارت درود نثارت می کند و به من دستور داده است که سلام و درودی گرم نثار «فاطمه» نمایم و به همراه من ارمغانی از لباسهای بهشت نیز که از دیبای سبز تهیه شده است برای او فرستاده است.³⁵

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من گفت: ای علی! غذای فراوانی برای عروسی و خانواده ات تدارک کن. و سپس فرمود: گوشت و نان را من می دهم، خرما و روغن به عهده ی تو. من خرما و روغن فراهم کردم و نزد پیامبر بردم، آن حضرت آستینهای لباسش را بالا زد و خرما را تمیز کرده در روغن ریخت و غذایی درست کرد که آن را «حیس» می گفتند، و گوسفند فربهی ذبح کرد، و نان فراوانی تدارک نمود، سپس به من گفت: هر کس را که دوست داری دعوت کن.³⁶

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: پس وارد مسجد شدم و دیدم که مسجد پر از صحابه ی پیامبر است، حیا کردم که در میان آن جمع عده ای را دعوت کنم و عده ای را دعوت ننمایم، پس بر یک بلندی قرار گرفتم و خطاب به همه گفتم: همه ی شما را به صرف ولیمه ی عروسی فاطمه (علیهاالسلام) دعوت می کنم. آنان پذیرفتند و گروه گروه به طرف خانه ی پیامبر حرکت کردند و من از کثرت جمعیت و قلت غذا خجالت می کشیدم، وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آنچه که در ذهن من می گذشت مطلع گردید، گفت: ای علی! من دعا می کنم که خدا به غذای شما برکت بدهد. علی علیه السلام گفت: آن جمعیت که تعداد آنها بیش از چهار هزار نفر بود همگی از غذا و آبی که فراهم کرده بودیم خوردند و نوشیدند و و سیر شدند ولی از غذا چیزی کم نشد.³⁷

سپس پیامبر دستور داد تا کاسه هایی را پر از غذا کردند و آنها را برای زنان خویش فرستاد و کاسه ای نیز پر از غذا کرد و فرمود: این کاسه نیز برای علی و فاطمه بماند.³⁸

کاروان مشایعت کننده حضرت فاطمه سلام الله علیها

شب که فرا رسید پیامبر صلی الله علیه و آله به سلمان فرمود: بغله شهبایم را بیاور و پس از آماده شدن، پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیهاالسلام را بر مرکب خود سوار کرده تا به خانه علی برود. پس سلمان افسار مرکب را در دست گرفته و رسول خدا صلی الله علیه و آله در پشت سر او قرار گرفته بود، هم چنان که به راه خود ادامه می دادند ناگهان از پشت سر، سر و صدایی به گوشش رسید، نگاه کرد دید جبرئیل و میکائیل و اسرافیل هستند که به همراه گروهی از فرشتگان به زمین فرود آمده اند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای جبرئیل! برای چه نازل شده اید؟ در پاسخ گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده ایم تا فاطمه علیهاالسلام را به خانه علی ببریم، پس جبرئیل تکبیر گفت و میکائیل نیز تکبیر گفت و اسرافیل چنین کرد و سایر فرشتگان به دنبال این سه فرشته تکبیر سر دادند و به دنبال آنها پیامبر صلی الله علیه و آله تکبیر گفته و در آخر سلمان فارسی آوای تکبیر را سر داد و از آنها پس در مراسم عروسی و بردن عروس به خانه شوهر تکبیر گفتن سنت شد.³⁹

جابر گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و حمزه، عقیل و جعفر و سایر اهل بیت نیز در پشت سر فاطمه علیهاالسلام در حالی که شمشیرهای خود را کشیده بودند، به راه افتادند و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه دیگر زنان در پیشاپیش کاروان شادی حرکت کرده و ام سلمه و حفصه و معاذه مادر سعد سروده ای می خواندند و در سایر زنان با تکرار مصرع اول شادی خود را اظهار می کردند و سپس تکبیر سر می دادند تا این که داخل خانه علی شدند.⁴⁰

نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله به دختران عبدالمطلب و زنان مهاجرین و انصار دستور داد تا به همراه فاطمه علیهاالسلام بوده و شادی کنان رجز بخوانند و تکبیر بگویند و سخنی که مورد رضای خدا نیست بر زبان جاری نسازند.⁴¹

توصیه های رسول خدا(ص) به حضرت علی (ع) و حضرت زهرا(س)

هنگامی که کاروان عروس به خانه رسید، پیامبر، امیر مومنان را فراخواند و پس از آمدن او دخت سرفرازش را خواست و دستش را گرفت و در دست علی علیه السلام نهاد و فرمود: «علی جان! خداوند دخت پیامبر را به تو مبارک سازد.»
و افزود: یا علی! هذ «فاطمه» ودیعتی عندک! یا علی! نعم الزوجه «فاطمه»! و یا «فاطمه»! نعم البعل علی!!
علی جان! این فاطمه است و امانت من نزد توست! فاطمه شایسته ترین همسر برای توست.

و آنگاه فرمود: ای «فاطمه» علی شایسته ترین شوهر است. و دستهای مقدس را بسوی آسمان گشود و نیایشگرانه زمزمه کرد که:

بار خدایا! نیکی ها و برکات خویش را بر این دو فرود فرست، و در فرزندان و نسل پاکشان برکت قرار ده!

بار خدایا! این دو تن محبوب ترین انسانها نزد من هستند، پس تو نیز آنان را دوست بدار و از سوی خویش حافظ و نگهبان بر آنان بگمار. بار خدایا! من این دو تن را با نسل پاکشان، از شیطان رانده شده و شرور و وسوسه های آن، به تو پناه می دهم.

آنگاه آبی خواست و جرعه ای از آن را به سبک خاصی متبرک ساخت و از آن قطراتی بر سر و سینه و میان شانه های دخت گرانقدر و داماد ارجمندش افشاند.

و دستور داد بانوان، عروس و داماد را در سرای جدیدشان به خدا سپارند و بروند.

در شب ازدواج امام علی (علیه السلام) فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را نگران و گریان دید، فرمود: چرا ناراحتی؟ پاسخ داد: در پیرامون حال و رفتار خویش فکر کردم، به یاد پایان عمر خویش و منزلگاه دیگر به نام قبر افتادم که امروز از خانه پدر به خانه شما منتقل شدم و روزی دیگر از این جا به طرف قبر و قیامت خواهیم رفت، در این آغازین لحظه های زندگی، تو را به خدا سوگند می دهم که بیا تا به نماز بایستیم تا باهم در این شب خدا را عبادت کنیم.⁴²

سن ازدواج امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س)

اکثر عالمان شیعه معتقدند که، سن حضرت در زمان ازدواج، 9 یا 10 یا حداکثر 11 سال بوده است. همچنین سن امیر مؤمنان (ع) 21 سال

و 5 ماه بوده است. انصاری، اسماعیل، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، ج 4، ص 21، دلیل ما، ق 1428، ابن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج 4، ص 1893، بیروت، دار الجیل، ط الأولى، 1992/1412.

1. ابن شهر آشوب، المناقب، ج 3، ص 357، ق 1379
2. شیخ طوسی، الأمالی، ص 43، دار الثقافة، ق 1414.
3. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغم، ج 1، ص 364، مکتبه بنی هاشم، تبریز، 1381 ق
4. سید بن طاوس، إقبال ص 584، دار الکتب الإسلامیة، تهران، 1367 ش
5. مجلسی، بحار الأنوار، ج 19، ص 192-193، مؤسسه الوفاء، بیروت، 1404 ق
6. مجلسی، بحار الأنوار، ج 19، ص 192-193، مؤسسه الوفاء، بیروت، 1404 ق
7. بن سعد، الطبقات الكبرى، ج 8، ص 18، دار الکتب العلمیة، ط الأولى، 1990/1410.
8. امین، سید محسن، أعيان الشیعة، ج 1، ص 313، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، 1406 ق
9. انصاری، اسماعیل، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، ج 4، ص 21، دلیل ما، ق 1428
10. ابن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج 4، ص 1893، بیروت، دار الجیل، ط الأولى، 1992/1412.
11. ابن سعد، طبقات، ج 8، ص 11، در سنن نسائی آمده است: پیغمبر (ص) در پاسخ آنان گفت: «فاطمه خردسال است» و چون علی (ع) او را از وی خواستگاری کرد، پذیرفت. (نسائی، سنن، ج 6، ص 62؛ فاطمه الزهراء، ص 20، ج 2) الصواعق المحرقة، ص 162 و رجوع به انساب الاشراف، ص 402 شود. بحار، ص 92 و نک: فصل «گزیده ای از شعرای عربی».
12. مناقب ابن شهر آشوب، ج 3، ص 345 / تذکرة الخواص، ص 306.
13. نسائی، سنن، ج 2، ص 31.
14. الریاض النضر، ج 2، ص 182؛ الغدير، ج 3، ص 20
15. علامه محمد باقر مجلسی (ر)، ترجمه جلد 43 بحار النوار، 43، 441
16. الأمالی للطوسی: ص 39 ح 44، بشارة المصطفى: ص 261
17. الأمالی للطوسی: ص 39 ح 44، بشارة المصطفى: ص 261
18. علامه محمد باقر مجلسی، ترجمه جلد 43 بحار النوار، ص 288
19. بحار الأنوار ج 43 / 107
20. حسن زاده املی؛ حسن، شرح فص حکمة عصمتیة فی کلمة فاطمیة، ص 178
21. زندگانی حضرت زهرا (سلام الله علیها) (ترجمه جلد 43 بحار النوار)، ص 409
22. زندگانی حضرت زهرا (سلام الله علیها) (ترجمه جلد 43 بحار النوار)، ص 358
23. قاضی نورالله تستری، احقاق الحق، ج 8، ص 351.
24. زندگانی حضرت زهرا (سلام الله علیها) (ترجمه جلد 43 بحار النوار)، ص 358
25. زندگانی حضرت زهرا (سلام الله علیها) (ترجمه جلد 43 بحار النوار)، ص 358
26. محمد کاظم قزوینی، فاطمه زهرا سلام الله علیها از ولادت تا شهادت، ص 189
27. زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها (ترجمه و تحقیق از جلد 43 بحار النوار)، روحانی علی آبادی، ص 417
28. علامه محمد باقر مجلسی، زندگانی حضرت زهرا (س) (ترجمه جلد 43 بحار)، ص 361
29. همان، 361
30. ریاحین الشریعه، ج 1، ص 92.
31. چهل حدیث در فضایل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، ص 50.
32. علامه محمد باقر مجلسی، زندگانی حضرت زهرا (س) (ترجمه جلد 43 بحار)، ص 361
33. همان، 363
34. همان، 363
35. محمد کاظم قزوینی، فاطمه زهرا سلام الله علیها از ولادت تا شهادت، ص 199-200
36. همان، 364
37. همان، 364 و 365
38. همان، 365
39. فاطمه علیها السلام الگوی حیات زیبا، محمد جواد مروجی طیبسی، به نقل از کشف الغم، ج 1، ص 368.
40. فاطمه علیها السلام الگوی حیات زیبا، محمد جواد مروجی طیبسی، به نقل از بحار الأنوار، ج 43، ص 115.
41. فاطمه علیها السلام الگوی حیات زیبا، محمد جواد مروجی طیبسی
42. نهج الحیاة، فرهنگ سخنان فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، ص 35.
43. الارشاد (شیخ مفید)، ص 342.